تأمّلاتي در صمديّه

راه تأليف كتاب درسي‌اي كه متناسب با نيازهاي روز و اهداف حوزه علميه باشد، از مسير نقد كتاب‌هاي موجود مي‌گذرد. ابتدا بايد متون درسي را مورد توجه قرار دهيم و با بررسي تطبيقي، يافتن اختلافات، نقاط ضعف، مطالب حق و سير شكل‌گيري مباحث، ساختار نويني را براي تدريس استخراج كنيم.

اين شيوه مطالعه و بررسي در هيچ‌يك از كتب ادبيات عرب سابقه نداشته و براي نخستين بار اين كتاب با چنين هدفي نگارش يافته است.

روش اين بوده است كه عبارتي از كتاب «صمديّه» ذكر شده و ضمن بيان نكته‌هاي علمي آن، اقوال ساير اُدَباي عرب از كتاب‌هايشان نقل و با آن تطبيق شده است.

با اين روش يك كتاب نحو جديد و برخاسته از متون اصيل تدوين مي‌شود.

1. ارائه روشي نوين در تدوين كتب درسي
2. بررسي تطبيقي قواعد و نظريات مطرح شده توسط متخصصان ادبيات عرب
3. گزينش يا طرح بهترين نظريه پس از بررسي نظريات مشابه
4. مبنا قرار گرفتن كتاب صمديّه به عنوان يكي از رايج‌ترين كتاب‌هاي درسي علم نحو در حوزه علميه
5. بيان مباحث مهم به صورت پرسش و سپس ارائه نظريه در قالب پاسخ
6. اصلاح متن كتاب صمديه، مطابق با نتايج به دست آمده از بررسي و تطبيق آن با ساير كتاب‌هاي مشهور در علم نحو
7. نظم يافتن تمام نكات علم نحو با شماره‌گذاري از يك تا دويست
8. مراجعه به بيش از پنجاه منبع تخصّصي در علم نحو براي دستيابي به دقيق‌ترين نظريه در هر بحث
9. تدوين جداولي از محورهاي بحث‌هاي طرح شده؛ فهرست اختلافات صمديه با كتب ديگر، فهرست غوامض صمديه، فهرست اشكالات صمديه، فهرست نواقص صمديه

اين كتاب از آن جهت كه به نقد و بررسي آراء كتاب صمديه اختصاص دارد، از همان طبقه‌بندي و فهرست مباحث صمديه استفاده كرده است.

# الحديقة الأولي: فيما أردت تقديمه

بخش اول درباره مقدمات علم نحو است؛ تعريف نحو، تعريف كلمه و كلام و اقسام كلمه. اسم، فعل و حرف در اين بخش معرفي شده و برخي ويژگي‌هاي آن‌ها بيان مي‌شود: معرفه و نكره، مذكر و مؤنث، اقسام فعل؛ ماضي و مضارع. سپس به اقتضاي مبني بودن فعل ماضي، بحث اعراب و بناء، تعريف بناء و ويژگي‌هاي آن طرح شده است.

# الحديقة الثانية: فيما يتعلّق بالأسماء

بخش دوم كتاب به صورت ويژه به اسم، خصوصيات، حالات و جايگاه‌هاي مختلف آن پرداخته است. مباحثي مانند: معرب و مبني، نائب فاعل، مبتدا و خبر، نواسخ، منصوب به نزع خافض، حال، تمييز، مضافٌ‌اليه، مجرور به حرف جر، مستثنا، اشتغال، منادي، تمييز اسماء عدد، ضمير، اسماء اشاره، موصول، مركّب، توابع، اسماء عامله مشبهه به فعل و اسباب منع صرف.

# الحديقة الثالثة: فيما يتعلّق بالأفعال

بخش سوّم كتاب مختصّات فعل است؛ اعراب فعل مضارع، افعال مدح و ذمّ، افعال تعجّب، افعال قلوب، تنازع، ادات شرط، لم و لمّا.

# الحديقة الرابعة: في الجمل وما يتبعها

نويسنده وقتي از بيان حالات كلمه فارغ مي‌شود به جمله مي‌پردازد. بخش چهارم كتاب به تعريف جمله و بيان انواع آن توجه دارد، از جمله: جمله خبريه، جمله حاليه، جمله مفعولٌ‌به، جمله مضافٌ‌اليه.

# الحديقة الخامسة: في المفردات

آخرين بخش كتاب مربوط به حروفي است كه با قرارگيري در نقاط مختلف جمله، تغييراتي در لفظ و معناي آن ايجاد مي‌كنند، مانند: أم، إنّ، أن، حتّي، بل، قد، قطّ، ما.

براي تهيه كتاب و يا ارسال انتقادات و پيشنهادات خود، به صورت حضوري به نشاني …………………………………………… مراجعه فرموده و يا براي ارتباط مجازي با پيام‌رسان …………………………………… و يا تلفن ……………………………… مركز تدوين كتب تماس حاصل فرماييد.

# تجرّد خبر از عوامل

مراد از تجرّد خبر از عوامل لفظيّه چيست؟ همان اشكالي كه بر تعريف مبتدا وارد بود، بر تعريف خبر نيز وارد است؛ زيرا خبر نيز مي‌تواند با عوامل لفظيه زائده يا شبه زايد بيايد.

# ديدگاه شيخ درباره عامل رفع خبر و تناقض با الفيه و سيوطي

با توجه به اين‌كه عامل در مبتدا، همان ابتدائيت بوده و ابتدائيت نيز از عوامل معنوي است. شايد مراد شيخ اين است كه عامل رفع خبر نيز همان ابتدائيت (عامل معنوي) است؛ زيرا قيد «المجرد» لا محاله به عوامل لفظي مي‌خورد. اگر نظر شيخ اين باشد، با سيوطي و الفيه تناقض دارد؛ زيرا ابن مالك و سيوطي عامل رفع خبر را لفظ و همان مبتدا مي‌دانند.

نكته: چون مراد از خبر در بحث فوق، خبر مبتدا است. بنابراين نمي‌توان به دخول نواسخ بر مبتدا، بر تعريف شيخ اشكال كرد.

# نقص صمديه

يكي از نواقص صمديه همين است؛ زيرا خبر يا مفرد است و يا جمله، و خبر مفرد يا جامد است يا مشتق، پس عبارت «وهو مشتق وجامد» جامع افراد نيست. و اين‌كه بگوئيم خبر جمله نيز در حكم مفرد است، جز تكلّف و بر خلاف مشهور سخن گفتن، چيزي نيست.